



دستور زبان فارسی (۱)

دکتر حسن انوری دکتر یوسف عالی عباس آباد

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

سیزده

پانزده

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: درآمدی بر دستور زبان فارسی و تاریخچه دستور زبان فارسی

۱

۱

۱

۲

۲

۳

۳

۵

۶

۶

۷

۸

۸

۹

هدف کلی

هدف‌های یادگیری

۱-۱ زبان

۲-۱ زبان فارسی

۳-۱ خط فارسی

۴-۱ الفبای زبان فارسی

۱-۴-۱ تنوع نشانه‌ها

۵-۱ دستور زبان فارسی

۶-۱ انواع کلمه

۷-۱ تاریخچه دستور سنتی

۱-۷-۱ دستور سنتی از نگاهی دیگر

خلاصه فصل اول

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول

فصل دوم: اسم

۱۱

۱۱

۱۱

۱۲

۱۳

۱۳

۱۴

هدف کلی

هدف‌های یادگیری

۱-۲ تعریف اسم

۱-۱-۲ نشانه‌های صرفی اسم

۲-۱-۲ نشانه‌های لفظی اسم

۳-۱-۲ اسم و انواع آن

۱۷	۴-۱-۲ جمع
۱۹	۵-۱-۲ علامت‌های جمع عربی در فارسی
۲۱	۶-۱-۲ اسم جمع
۲۱	۷-۱-۲ جمع مکسر
۲۲	۸-۱-۲ جمع اسامی خاص
۲۳	۹-۱-۲ جمع جمع
۲۳	۱۰-۱-۲ اسم آلت (ابزار)
۲۴	۱۱-۱-۲ اسم شمارشی و اسم غیرشمارشی
۲۴	۱۲-۱-۲ اسم صوت (نام‌آوا)
۲۵	۱۳-۱-۲ اسم مصغر
۲۵	۲-۲ ساخت اسم
۲۷	۱-۲-۲ اسم مرکب
۲۸	۲-۲-۲ اسم مشتق مرکب
۲۸	۳-۲-۲ گروه اسمی
۳۱	۳-۲ انواع گروه اسمی
۳۱	۱-۳-۲ گروه‌های اسمی وابستگی سه جزئی یا بیشتر
۳۱	۲-۳-۲ گروه‌های اسمی سه جزئی یا بیشتر ترجمه‌ای
۳۱	۴-۲ وابسته‌های اسم
۳۲	۱-۴-۲ وابسته‌های پیشین اسم
۳۲	۲-۴-۲ صفت بیانی ترتیبی (ساخته‌شده با «مِین»)
۳۳	۳-۴-۲ صفت بیانی عالی یا برترین
۳۳	۴-۴-۲ صفت اشاره
۳۴	۵-۴-۲ صفت مبهم
۳۷	۶-۴-۲ صفت شمارشی
۳۸	۷-۴-۲ صفت پرسشی
۳۹	۸-۴-۲ صفت تعجبی
۳۹	۹-۴-۲ شاخص
۴۰	۵-۲ وابسته‌های پسین اسم
۴۰	۱-۵-۲ صفت بیانی
۴۳	۲-۵-۲ صفت ترتیب مختوم به «م»
۴۳	۳-۵-۲ صفت نسبی
۴۴	۴-۵-۲ صفت دارندگی (لیاقت)
۴۵	۶-۲ ساختمان صفت بیانی
۴۶	۱-۶-۲ نشانه‌های ساختاری و لفظی صفت بیانی
۴۶	۲-۶-۲ درجات صفت بیانی
۴۸	۷-۲ اقسام صفت بیانی

۴۸	۲-۷-۱ صفت فاعلی
۴۹	۲-۷-۲ صفت فاعلی مرکب
۴۹	۲-۷-۳ صفت مفعولی
۵۰	۲-۷-۴ صفت مفعولی مرکب
۵۱	۲-۸ گروه وصفی
۵۲	۲-۹ صورت‌های صفت بیانی
۵۲	۲-۹-۱ صفت بیانی بسیط
۵۲	۲-۹-۲ صفت بیانی مشتق
۵۳	۲-۹-۳ صفت بیانی گروهی (مرکب)
۵۴	۲-۱۰ تعدد و همپایگی صفت بیانی
۵۴	۲-۱۱ تعدد و هم‌پایگی موصوف
۵۵	۲-۱۲ وابسته‌های صفت بیانی
۵۹	۲-۱۳ مضاف‌الیه
۶۱	۲-۱۴ انواع اضافه‌ها
۶۱	۲-۱۴-۱ راه شناخت اضافه تعلق
۶۲	۲-۱۴-۲ اضافه غیر تعلق
۶۲	۲-۱۴-۳ وابسته‌های مضاف‌الیه
۶۲	۲-۱۴-۴ اضافه گسسته
۶۳	۲-۱۵ شبه‌مضاف‌الیه
۶۳	۲-۱۶ فرق مضاف‌الیه و صفت
۶۴	۲-۱۷ متمم اسم
۶۴	۲-۱۸ بدل
۶۴	۲-۱۹ مصدر
۶۴	۲-۱۹-۱ مصدر کامل یا اصلی
۶۴	۲-۱۹-۲ مصدر مرخم
۶۵	۲-۲۰ اسم مصدر
۶۶	۲-۲۱ حاصل مصدر
۶۶	۲-۲۱-۱ حاصل مصدر مشتق
۶۷	۲-۲۲ مصدر جعلی
۶۷	۲-۲۳ مترادف / متشابه / متضاد
۶۷	۲-۲۴ اتباع
۶۸	خلاصه فصل دوم
۶۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۷۱	سؤالات تشریحی فصل دوم

۷۷	فصل سوم: نقش‌های اسم
۷۷	هدف کلی
۷۷	هدف‌های رفتاری
۷۷	۳-۱ حالات (نقش‌های) اسم
۷۸	۳-۲ روش شناخت نقش‌های دستوری
۷۹	۳-۳ نهاد
۸۱	۳-۳-۱ مطابقت فعل با نهاد
۸۲	۳-۳-۲ مطابقت فعل با شمار جمع
۸۲	۳-۳-۳ مطابقت نکردن فعل با اسم مبهم
۸۲	۳-۴-۱ مطابقت فعل با متمم، مضاف‌الیه و غیره
۸۲	۳-۴-۲ مطابقت فعل با متمم
۸۳	۳-۴-۳ امکان مطابقت یا عدم مطابقت فعل با متمم
۸۳	۳-۴-۴ مطابقت فعل با ضمیر پیوسته
۸۴	۳-۴-۴-۱ مطابقت متمم بعضی از اسم‌های جمع با فعل
۸۴	۳-۴-۵ مطابقت فعل با مضاف‌الیه
۸۵	۳-۴-۶ مطابقت بعضی از اسم‌های مبهم با هر سه شخص جمع
۸۵	۳-۴-۷ مطابقت در اسم جمع
۸۵	۳-۴-۸ واژه‌های دال بر احترام
۸۶	۳-۴-۹ بافت احترام
۸۶	۳-۴-۱۰ مطابقت فعل جمله موصول صفتی با نهاد جمله اصلی نه نهاد خود
۸۶	۳-۴-۱۱ معطوف به نهاد تأثیری در شناسه فعل ندارد.
۸۶	۳-۵ فعل‌های بی‌نهاد
۸۷	۳-۶ مسند
۸۷	۳-۷ مفعول
۸۸	۳-۷-۱ مفعول مستقیم در زبان فارسی
۹۱	۳-۸ جایگاه مفعول مستقیم و غیرمستقیم
۹۴	۳-۹ تمیز (مفعول دوم)
۹۷	۳-۹-۱ برخی از ویژگی‌های تمیز
۹۸	۳-۱۰ متمم
۹۹	۳-۱۰-۱ متمم اجباری
۱۰۰	۳-۱۱ قید
۱۰۲	۳-۱۱-۱ اقسام قید
۱۰۴	۳-۱۱-۲ اقسام قید از نظر مقوله دستوری
۱۰۴	۳-۱۱-۳ اقسام قیده‌های مختص از نظر ساخت
۱۰۶	۳-۱۱-۴ قیده‌های مشترک
۱۰۷	۳-۱۱-۵ گروه قیدی

۱۰۸	۱۱-۳-۶ قید و متمم قیدی و جایگاه ظهور آن در جمله
۱۱۰	۱۱-۳-۷ عناصری که می‌توانند در جایگاه قید قرار گیرند:
۱۱۱	۱۱-۳-۸ قید از جهت مفهوم
۱۱۳	۱۱-۳-۹ جزء قیدی
۱۱۵	۱۱-۳-۱۰ حرف اضافه در معنی جزء قیدی
۱۱۶	۱۲-۳ منادا
۱۱۶	۱۲-۳-۱ منادای بدل
۱۱۶	۱۳-۳ بدل
۱۱۸	تمرین
۱۲۰	خلاصه فصل سوم
۱۲۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۱۲۳	فصل چهارم: دستگاه فعل
۱۲۳	هدف کلی
۱۲۳	هدف‌های رفتاری
۱۲۴	۱-۴ دستگاه فعل
۱۲۶	۱-۴-۱ گروه فعلی
۱۲۶	۱-۴-۲ فعل واژگانی
۱۲۷	۱-۴-۳ دلالت‌ها و معنی‌های فعل
۱۲۸	۱-۴-۴ زمان فعل
۱۲۹	۱-۴-۵ شخص فعل
۱۲۹	۱-۴-۶ مفرد یا جمع بودن فعل
۱۲۹	۱-۴-۷ نمود فعل
۱۳۰	۱-۴-۸ فعل از نظر شخص
۱۳۰	۱-۴-۹ بُن فعل
۱۳۱	۱-۴-۱۰ فعل‌های بی‌قاعده، فعل‌های قاعده‌مند
۱۳۱	۱-۴-۱۱ بی‌قاعده‌های منظم یا بی‌قاعده‌های قاعده‌دار
۱۳۲	۲-۴ شناسه
۱۳۴	۲-۴-۱ اجزای پیشین فعل یا پیشوندهای صرفی
۱۳۵	۳-۴ مصدر
۱۳۵	۳-۴-۱ فعل‌های چندمصدری
۱۳۵	۴-۴ ساختمان فعل
۱۳۶	۴-۴-۱ فعل پیشوندی
۱۳۷	۴-۴-۲ فعل مرکب
۱۴۵	۴-۴-۳ عبارت فعلی
۱۴۶	۴-۴-۴ افعال دووجهی
۱۴۷	۴-۴-۵ ساختمان عبارت فعلی و مرکب

- ۱۴۷ ۵-۴ عبارت فعلی ضمیردار
- ۱۴۸ ۴-۵-۱ ویژگی‌های عبارت فعلی
- ۱۴۸ ۴-۶ عبارت فعلی و متمم
- ۱۵۰ ۴-۷ کاربرد ضمیر در عبارت‌های فعلی
- ۱۵۰ ۴-۷-۱ ضمیر شخصی متصل و منفصل اسم
- ۱۵۰ ۴-۷-۲ ضمیر شخصی متصل و مشترک
- ۱۵۱ ۴-۸ اسم
- ۱۵۱ ۴-۹ ضمیر غیرشخصی
- ۱۵۲ ۴-۱۰ ضمیر مشترک
- ۱۵۳ ۴-۱۱ ضمیر شخصی متصل، سوم شخص مفرد
- ۱۵۴ ۴-۱۲ ضمیر شخصی منفصل و اسم
- ۱۵۵ ۴-۱۳ حذف حرف اضافه در عبارت فعلی
- ۱۵۶ ۴-۱۴ اقسام فعل از نظر زمان
- ۱۵۶ ۴-۱۴-۱ افعال ماضی
- ۱۶۳ ۴-۱۴-۲ فعل مضارع
- ۱۶۸ ۴-۱۴-۳ افعال لحظه‌ای، افعال تداومی و افعال لحظه‌ای - تداومی
- ۱۶۹ ۴-۱۴-۴ فعل آینده (مستقبل)
- ۱۷۲ ۴-۱۵ فعل امر
- ۱۷۳ ۴-۱۶ فعل نهی
- ۱۷۳ ۴-۱۷ فعل دعا
- ۱۷۴ ۴-۱۸ گذر فعل یا تأثیر بخشی فعل
- ۱۷۴ ۴-۱۸-۱ فعل ناگذر
- ۱۷۵ ۴-۱۸-۲ فعل‌های گذرا به مسند
- ۱۷۶ ۴-۱۸-۳ فعل گذرا به مفعول
- ۱۷۸ ۴-۱۸-۴ فعل گذرا به متمم اجباری
- ۱۷۹ ۴-۱۸-۵ فعل گذرا به مفعول و متمم اجباری
- ۱۷۹ ۴-۱۸-۶ فعل‌های واداری گذرا به مفعول و متمم اجباری
- ۱۸۰ ۴-۱۸-۷ فعل‌های سببی شده گذرا به متمم اجباری
- ۱۸۱ ۴-۱۸-۸ فعل‌های گذرا به مفعول و مسند مفعول
- ۱۸۲ ۴-۱۸-۹ صورت‌های مجهول یا ناگذری شده فعل‌های گذرا به مفعول و مسند مفعول
- ۱۸۲ ۴-۱۹ فعل‌های سببی
- ۱۸۳ ۴-۲۰ فعل‌هایی که تمیز می‌گیرند.
- ۱۸۴ ۴-۲۱ فعل معلوم و مجهول
- ۱۸۵ ۴-۲۱-۱ ساخت فعل مجهول
- ۱۸۵ ۴-۲۱-۲ مجهول در دستور نقش و ارجاع
- ۱۸۶ ۴-۲۱-۳ موارد کاربرد فعل مجهول

۱۸۷	۴-۲۱-۴ مجهول غیرشخصی
۱۸۸	۴-۲۱-۵ تغییر تعادلی
۱۹۰	۴-۲۲ فعل ربطی (عام یا اسنادی) و افعال تام
۱۹۱	۴-۲۳ فعل کامل، فعل ناقص
۱۹۲	۴-۲۳-۱ تشخیص فعل ناقص از فعل اصلی
۱۹۲	۴-۲۴ فعل معین
۱۹۳	۴-۲۴-۱ اقسام فعل‌های معین
۱۹۳	۴-۲۵ فعل وجهی
۱۹۵	۴-۲۶ فعل به‌عنوان مقوله‌ای نحوی
۱۹۶	۴-۲۷ فعل وصفی
۱۹۸	۴-۲۸ وجه فعل
۱۹۸	۴-۲۸-۱ وجه اخباری
۱۹۹	۴-۲۸-۲ وجه التزامی
۲۰۲	۴-۲۹ فعل مثبت و فعل منفی (اثبات و نفی در فعل)
۲۰۵	تمرین
۲۱۲	خلاصه فصل چهارم
۲۱۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۲۱۷	فصل پنجم: حروف
۲۱۷	هدف کلی
۲۱۷	هدف‌های رفتاری
۲۱۷	۵-۱ تعریف حرف
۲۱۸	۵-۲ حروف اضافه
۲۱۸	۵-۲-۱ ساختمان حروف اضافه
۲۱۸	۵-۲-۲ کاربرد و معنی پرکاربردترین حروف اضافه ساده
۲۲۳	۵-۲-۳ حروف اضافه گروهی
۲۲۳	۵-۲-۴ تشخیص حرف اضافه گروهی
۲۲۴	۵-۲-۵ ساختمان حرف اضافه گروهی
۲۲۴	۵-۳ حروف ربط
۲۲۵	۵-۳-۱ حروف ربط همپایگی
۲۲۶	۵-۳-۲ حروف ربط وابستگی
۲۲۶	۵-۴ حروف ربط از نظر ساختمان
۲۲۶	۵-۴-۱ حروف ربط ساده
۲۳۰	۵-۴-۲ حروف ربط گروهی یا مرکب
۲۳۰	۵-۴-۳ حروف وابستگی گروهی ناگسل
۲۳۱	۵-۴-۴ حروف وابستگی گروهی گسلنده
۲۳۳	۵-۵ حروف نشانه

۲۳۵	خلاصه فصل پنجم
۲۳۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۲۳۹	فصل ششم: جمله
۲۳۹	هدف کلی
۲۳۹	هدف‌های رفتاری
۲۳۹	۱-۶ تعریف جمله
۲۴۱	۲-۶ جمله عادی، جمله فشرده، جمله گسترده
۲۴۲	۳-۶ ژرف‌ساخت و روساخت
۲۴۲	۴-۶ راه‌های گسترش جمله
۲۴۳	۵-۶ ترتیب ارکان جمله
۲۴۳	۱-۵-۶ فعل
۲۴۳	۲-۵-۶ نهاد
۲۴۳	۳-۵-۶ مسند
۲۴۳	۴-۵-۶ مفعول
۲۴۴	۵-۵-۶ متمم
۲۴۴	۶-۵-۶ منادا
۲۴۴	۷-۵-۶ بدل
۲۴۴	۸-۵-۶ تمیز
۲۴۴	۹-۵-۶ مضاف‌الیه
۲۴۵	۱۰-۵-۶ صفت
۲۴۵	۱۱-۵-۶ قید
۲۴۶	۶-۶ حذف
۲۴۶	۱-۶-۶ فعل
۲۴۶	۲-۶-۶ نهاد
۲۴۷	۳-۶-۶ مسند
۲۴۷	۴-۶-۶ مفعول
۲۴۷	۵-۶-۶ متمم
۲۴۸	۶-۶-۶ حرف ربط
۲۴۸	خلاصه فصل ششم
۲۴۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۲۵۲	سؤالات تشریحی فصل ششم
۲۵۳	پاسخنامه
۲۵۵	کتابنامه

پیشگفتار

دستور زبان فارسی از مقوله‌های کاربردی جامعه‌شناسی است. زبان هویتی مستقل دارد و در مطالعات مختلف جامعه‌شناسی، ایدئولوژی، سیاسی و فرهنگی به‌عنوان شاخص پذیرفته شده است. بدیهی است این رکن اصلی که ارتباط بین فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد، باید همواره از آسیب‌های جدی در امان باشد و گویشوران زبان با تولید قواعد و اصولی، بتوانند آن را در چهارچوب اصلی و تراز پایدار نگاه دارند.

نگاهی به پیشینه نگارش «دستور زبان فارسی» نشان می‌دهد که همیشه مطابق با تحولات جامعه، پیش رفته و در ایستایی یا پسرفت جامعه، حرمان‌کشیده و در پستی تکرار و کهنگی، رنگ باخته است. از طرف دیگر، سرعت پیشرفت یا نفوذ تکنولوژی، گاهی مؤلفه‌های پدیده‌های اجتماعی مانند زبان و قواعد حاکم بر آن را تهدید می‌کند و به سمت‌وسویی می‌کشانند که سیاست کلی آن ایجاب می‌کند. به همین دلایل گویشوران باید همیشه مراقب زبان و پایه‌های اصلی آن باشند. یکی از شاخص‌های مراقبت از زبان، ترسیم قواعد درست و بهنجار آن است؛ به گونه‌ای که هم نیازهای سخن‌گویان را برآورده سازد و هم بتواند زبان را به صورت مفهوم و بآیین نمایش دهد. انگیزه اصلی تدوین و نگارش این کتاب، برطرف‌ساختن بسیاری از مشکلاتی است که به زبان تحمیل شده و در تمام کتاب‌های دستور زبان، به صورت میراث مشترک به یادگار نهاده شده است.

مقدمه

دستور زبان فارسی که در زبان انگلیسی گرامر (grammar) و در زبان عربی صرف و نحو خوانده می‌شود، از علومی است که قواعد زبان را بررسی می‌کند. در زبان فارسی صرف و نحو که به ترتیب، تجزیه و ترکیب خوانده می‌شود دو دیدگاه برای بررسی زبان است؛ صرف: بررسی کلمه و تعیین ساخت، نوع و ماهیت آن بیرون از متنی است که در آن قرار گرفته‌است و نحو: کلمه‌های موجود در یک جمله را با توجه به نقش و وظیفه‌ای که برعهده گرفته‌اند و ارتباطی که با فعل و اجزای دیگر جمله دارند، بررسی می‌کند.

مقوله دستوری طبقه‌ای از کلمه‌هاست که در فهرستی از ویژگی‌های دستوری، مشترک هستند. بیشتر کلمه‌های زبان‌های طبیعی به مقوله‌های اسم، فعل، صفت، حرف اضافه و قید تقسیم می‌شوند. اعضای هر طبقه را می‌توان با استفاده از ویژگی‌های صرفی و نحوی آن‌ها، همچنین توزیعشان در جمله تشخیص داد. مقوله‌های دستوری نام‌برده‌شده، مقوله‌های واژگانی (Lexical Categories) هستند. گروه دیگری از مقوله‌های دستوری، مقوله‌های نقشی (Functional Categories) خوانده می‌شوند. مقوله‌های واژگانی شامل کلمه‌هایی است که ویژگی دستوری دارند و می‌توان محتوای دستوری هریک از آن‌ها را توضیح داد، درحالی‌که مقوله‌های نقشی، آن‌دسته از عناصر زبان را دربرمی‌گیرد که حامل اطلاعاتی درباره ویژگی‌های دستوری دیگر کلمه‌ها یا عبارت‌های جمله هستند؛ به بیان دیگر، نقش دستوری در جمله ایفای می‌کنند. روشن است که فهرست اعضای هر مقوله نقشی زبان، فهرستی بسته با تعداد محدود و اعضای مشخص است. مقوله‌های تصریفی، نیز از جمله مقوله‌های نقشی زبان هستند. اعضای

این مقوله‌ها در تولید جمله‌های زبان نقش اساسی دارند. این عناصر معنای واژگانی ندارند؛ بلکه حامل مفاهیم دستوری هستند که با کلیت جمله ارتباط دارند و به مفهوم گزارهای جمله افزوده می‌شوند.

با مختصر اشاره‌ای که به دستور و مقوله‌های دستوری کردیم، مشخص است که دستور زبان، آموزش درست خواندن و درست نوشتن زبان است. دستور زبان چیزی نیست که با آگاهی کامل از آن بتوان زبانی را یاد گرفت و به آن زبان خواند و نوشت. یاد گرفتن قواعد دستوری برای فهم زبان به خصوص لازم است؛ اما کافی نیست. همیشه بخشی زنده و اتفاقاً بسیار مهم از زبان وجود دارد که در دستور زبان نادیده گرفته می‌شود و آن، صورت گفتاری یا محاوره‌ای زبان است. باید به یاد داشته باشیم که آموزنده زبان، فقط با یادگیری گرامر یا نحو زبان و بدون توجه به جنبه گفتاری آن، نمی‌تواند به صورت کامل و بی نقص با زبان آشنا شود. پس دستور زبان، فقط مربوط به صورت نوشتاری (مکتوب) زبان است. هرچند صورت گفتار از صورت نوشتار تبعیت می‌کند؛ ولی به هر حال اختلافاتی بین آن‌ها وجود دارد که جای بحث آن در این مقال نیست.

ماهیت زبان طوری القا می‌کند که قواعد هر زبانی ثابت است. تا دو قرن پیش نیز دانشمندان این گونه می‌پنداشتند. در حالی که زبان در درون و بیرون خود، به سبب عوامل خاصی، دائم در حال تغییر و تحول است؛ ولی این تغییرات و تحولات به کندی و آرامی صورت می‌گیرد. آشنایی با تحولات زبان و نحوه آن به عهده علم تاریخ زبان و دستور تاریخی است.

با نگاهی به قدیمی‌ترین کتابی که درباره دستور زبان فارسی منتشر شده، یعنی «دستور سخن» به قلم میرزا حبیب اصفهانی که در سال ۱۲۹۸ قمری در استانبول به چاپ رسید، تا دستورهای امروزی که زبان‌شناسانی مانند دکتر محمدرضا باطنی، دکتر مشکوةالدینی، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر ارژنگ، دکتر امید طبیب‌زاده و یا نظریه‌های زبانی و دستوری که دکتر میرعمادی تألیف کرده‌اند و مقاله‌های گوناگونی که از پژوهشگران زبان چون دکتر محمود فضیلت، دکتر محمد راسخ مهند، دکتر علی درزی و دیگران منتشر شده، مشهود است که این علم نیز مانند بسیاری از جنبه‌های جهان اکنون، پیشرفت کرده و در درون خود تحول‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. همچنین با نظری به کتاب‌های دستوری که به وسیله ادیبان زبان فارسی نوشته شده است،

ملاحظه می‌شود که در آن‌ها اختلاف و گاه آشفتگی‌های معنی‌داری وجود دارد. این امر علت‌های زیادی دارد. یک علت بسیار مهم این است که دستور زبان سنتی تاکنون نتوانسته‌است یافته‌های زبان‌شناسی را به‌طور کامل با مباحث دستوری همراه کند. این امر به سبب ماهیت این دو علم است که زبان‌شناسی عمدتاً به لفظ و ساخت آن اهمیت می‌دهد و دستور زبان، مخصوصاً دستور زبان‌هایی که به شیوه سنتی نوشته شده‌اند، معنی‌گرا است و به معنی‌ای که کلمه در جمله دارد، عنایت می‌کند. به این سبب اختلاف‌های زیادی میان مباحث زبان‌شناسی و دستور زبان سنتی وجود دارد. در تألیف این کتاب سعی شده‌است برای کمترکردن فاصله موجود میان این دو علم، از مباحث و یافته‌های زبان‌شناسی نیز استفاده شود. علاوه بر این در دستور زبان‌ها نوعی گرایش به سمت زبان کهن دیده می‌شود. این امر برای فهم زبان و متون کهن فارسی بسیار مهم و ضروری است؛ ولی برای به‌روزشدن دستور زبان و کاربردی‌شدن آن در درجه اول باید دستورها، مطابق زمان و نوشته‌های کنونی فارسی و انگلیسی مطابق نیازهای واقعی زبان نوشته شود و بررسی آن قسمت از زبان که امروزه دیگر کاربردی ندارد به «دستور تاریخی» سپرده شود. به همین دلیل، مطالعه آثار نویسندگان معاصر برای نگارش دستور زبان ضروری است. در تألیف این کتاب نیز در نمونه‌ها و تمرین‌ها از نوشته‌های گروهی از نویسندگان که یاد کردیم، استفاده شده‌است. همچنین در شرح و تفسیر ساختار سازه‌های مختلف کلام، چون حرف، فعل، اسم و مانند این‌ها، از ساختاری بهره برده‌ایم که به دستور همزمانی مربوط است؛ به سخن دیگر، مربوط به زبان امروز فارسی است. مثالی می‌زنم. در فارسی امروز، فعل ماضی استمراری با افزودن جزء پیشین «می» + تکواژ مطابقت فاعلی ساخته می‌شود. مانند «می‌روم». در دستور کهن و در زمانی، پیشوند فعلی «همی» نیز کاربرد داشته‌است. مانند «همی خواهم». در تألیف این دستور، با اشاره‌ای بسیار گذرا به ساخت ماضی استمراری کهن، از شاهد مثال‌هایی استفاده کرده‌ایم که مربوط به ساخت ماضی استمراری امروز فارسی است. شاهد مثال‌های زبان کهن فارسی، برعهده دستور تاریخی است. مثال دیگر؛ در زبان کهن فارسی، گاه «حرف ربط» در معنی «حرف اضافه» به کار می‌رفت و در جایگاه آن قرار می‌گرفت. اگر در زبان امروز فارسی، هنوز این کارکرد حروف جریان دارد، با شاهد مثال‌هایی طرح می‌شوند؛ اگر نه، در حیطه مطالعه دستور امروز فارسی نیست.

نکته دیگری که ذکر آن خالی از اهمیت نیست اینکه در تألیف دستور زبان ۱، سعی کرده‌ایم از مباحث زبان‌شناسی و نظریه‌های دستوری ساخت‌گرایی، گشتاری - زایشی و نقش‌گرایی که با ماهیت زبان فارسی سازگاری دارند، به‌صورت کامل استفاده کنیم. به‌عنوان مثال، در باب «فعل»، «وجه»، «جمله»، «قید»، «وندها و گروه تصریف»، «کلمه، تکواژها و نقش آن‌ها در جمله و زبان» و ... سعی شده‌است به‌طور عمده از تلفیق آرای زبان‌شناسی «گشتاری - زایشی» و «نقش‌گرایی» استفاده شود.

فصل اول

درآمدی بر دستور زبان فارسی و تاریخچه دستور زبان فارسی

هدف کلی

آشنایی با دستور زبان فارسی، آغاز آن و تغییراتی که در راه نگارش آن ایجاد شده است.

هدف‌های یادگیری

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:
۱. زبان چیست و چند صورت دارد؟
 ۲. منشأ زبان فارسی چیست؟ دوره‌های تحول آن را نام ببرند.
 ۳. اصطلاح «دری» در زبان فارسی به چه دوره‌ای گفته می‌شود؟
 ۴. خط فارسی چند نوع خط دارد و متعلق به چه خطوطی است؟
 ۵. نشانه‌های زبانی در زبان فارسی چگونه به کار می‌روند؟
 ۶. آیا هر واجی نشانه مخصوصی دارد؟
 ۷. انواع کلمه‌ها در دستور زبان فارسی چندتاست؟
 ۸. نقطه آغاز نگارش دستور زبان فارسی کجاست؟
 ۹. چه کسانی در زبان فارسی و دستور زبان آن ابداع داشته‌اند و یا از نظریات پیشینیان پیروی کرده‌اند؟

۱-۱ زبان

زبان وسیله ارتباطی در جوامع بشری است که از تعدادی علامت و نشانه‌هایی که برای انتقال هر نوع معنی از یک ذهن به ذهن دیگر به کار می‌رود، تشکیل شده است. زبان دو صورت دارد: ۱. صورت گفتاری که در نشانه‌های صوتی آشکار می‌شود و «واج» نامیده می‌شود؛ ۲. صورت نوشتاری (مکتوب) که در نشانه‌های خطی بروز می‌یابد و «حرف» نام دارد.

۲-۱ زبان فارسی

زبان فارسی از خانواده زبان‌های ایرانی و زبان‌های ایرانی از خانواده زبان‌های «هندوایرانی» است. زبان‌های «هندوایرانی» شاخه‌ای از زبان‌های «هندواروپایی» (Indo-European) به‌شمار می‌رود. زبان‌های هندواروپایی از مهم‌ترین زبان‌های بشری است که شاخه‌های بی‌شماری دارد و در سراسر اروپا همچنین در قسمت‌های پهناوری از آمریکا، اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده است. زبان‌های هندوایرانی نسبت به دیگر اعضای خانواده زبان‌های هندواروپایی، دیرتر از یکدیگر جدا شدند و به این سبب مشترکات زیادی بین آن دو وجود دارد.

زبان فارسی نیز مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی که به اجبار دچار تغییر و تحول می‌شوند، صورت ثابتی ندارد و در طول تاریخ تکوین، تغییرات و تحولات زیادی یافته به گونه‌ای که در هر دوره تحول، از صورت پیشین خود متمایز شده است. ولی بر هر دوره تحول، قوانین خاصی حاکم است که با در نظر گرفتن و اعمال آن‌ها، می‌توان به صورت پیشین زبان دست یافت. این زبان، سه دوره تحول دوره باستان، فارسی میانه و فارسی جدید را پشت سر گذاشته است. بدین ترتیب که فارسی میانه، صورت تحول یافته فارسی در دوره باستان و فارسی جدید صورت تحول یافته فارسی میانه است. فارسی دوره باستان و میانه از زبان‌های مرده یا خاموش به‌شمار می‌روند، چون به صورت زنده کاربرد ندارند و فقط صورت مکتوب آن‌ها در مطالعات تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

زبان فارسی کنونی که در گذشته آن را «دری» می‌نامیدند زبان رسمی و اداری در دوره اسلامی بوده و هم‌اکنون عمر آن بیش از هزارسال است. این زبان نیز در طول این دوره دچار تحولات فراوانی شده است؛ ولی در مقایسه با زبان‌های دیگر مانند فرانسه و انگلیسی تحولات آن چشمگیر نیست و ما اکنون به راحتی و با مراجعه به فرهنگ لغات، زبان رودکی و دیگر پیشینیان خود را می‌فهمیم، در صورتی که در زبان‌های مذکور چنین نیست. در سرزمین‌های پهناوری از آسیای میانه، زبان فارسی، رایج و زبان رسمی سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان است. روزگاری زبان ادبی و یا رسمی و درباری برخی از سرزمین‌های دیگر چون آسیای صغیر و هندوستان نیز بوده است. یادآوری می‌شود که قدیمی‌ترین نمونه‌هایی که از این زبان در دست است مربوط به قرن‌های دوم و سوم هجری قمری است.

۱-۳ خط فارسی

خطی که برای زبان فارسی در دوره اسلامی برگزیده شد، خط عربی بود. این خط مانند خط‌های ایرانی از جمله خطوط سامی محسوب می‌شود که با خطوط ایرانی در فارسی میانه خویشاوند است. تحولاتی که در خطوط سامی ایجاد شده، شامل خط عربی نیز می‌شود. الفبا یا نشانه‌های آوایی زبان فارسی دری با خط عربی نشان داده می‌شود. مباحث زبان‌شناسی مربوط به واج یا آوا، صامت یا همخوان، مصوت یا واکه و مصوت مرکب در دستور زبان ۲ مورد بحث واقع شده است.

۱-۴ الفبای زبان فارسی

حرف‌ها یا نشانه‌های آوایی زبان فارسی عبارت است از: الف ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی. هریک از این نشانه‌ها حرف نام دارد. در جدول ذیل واج‌ها یا الفبای فارسی همراه با نام‌ها و ضبط آواهای آن‌ها ذکر شده است:

نشانه‌ها	نشانه آوایی	نام یا نام‌هایی که هریک از حرف‌ها دارند
الف	a	آ، ا، الف
ب	b	ب، با، باء، بی
پ	p	پ، باءِ فارسی، پی
ت	t	ت، تا، تاء منقوطة، تی
ث	s	ث، ثا، ثاء، ثی
ج	j	ج، جیم
چ	č	چ، جیم فارسی
ح	h	ح، حا، حاء، حاءِ حطی
خ	x	خ، خا، خاء، خی
د	d	د، دال
ر	r	ر، را، راء، راءِ مهمله، ری
ز	z	ز، زا، زاء، زاءِ معجمه، زاءِ اختالراء
ژ	ž	ژ، ژی، زاء فارسی
س	s	س، سین، سینِ مهمله
ش	š	ش، شین، شینِ معجمه
ص	s	صاد
ض	z	ضاد
ط	t	طا، طاء، طای دسته‌دار، طای مؤلف، طین
ظ	z	ظا، ظاء، ظای دسته‌دار، ظای مؤلف، ظین
ع	ʔ	عین، عینِ مهمله
غ	ɣ	غین، غینِ معجمه
ف	f	ف، فا، فاء، فی
ق	ġ	ق، قاف
ک	k	ک، کاف، کافِ عربی
گ	g	گ، گاف، کاف فارسی، کاف دو سرکجه
ل	l	ل، لام
م	m	م، میم
ن	n	ن، نون
و	v	و، واو
ه	h	هـ دو چشم، ها، هاء، هاءِ هوز، هاءِ مخفی
ی	y	ی، یا، یاء، یاءِ مثناء تحتانی (وقتی که به صورت ی نوشته می‌شود)